

روایتی از ۷ سال زندگی تلخ یک زن

## باربری برای سوداگر مرگ



صدیقی

«نخود نخود هر که رود خانه خود!»؛ این را بعد از ۷ سال زندگی مشترک، شوهر قاچاقچی به همسرش می گوید. به گفته خودش تکیه گاهش او را با سر به زمین کوئید و از مسیر روشن مدرسه خارج کرد و به سنگلاخ اعتیاد کشاند.

به گفته خودش سن چندانی نداشت که با در خانه شوهر گذاشت. قبل از ازدواجش پدر و مادرش از هم جدا شده بودند. پدر خانواده نه تنها خرج زندگی را تقبل نمی کرد بلکه خودش هم سربار بود و هر بار بابت گرفتن پول موادش زنش را تا حد مرگ کتک می زد. زن جوان می گوید: «بعد از جدایی پدر و مادرم از یکدیگر تنها شده بودم و به دنبال یک تکیه گاه می گشتم که به خیال باطل خودم آن را در مسیر مدرسه پیدا کردم. او خودش را تحصیل کرده معرفی کرد. با برقراری ارتباط با او انگار بال گم شده ام را یافتم و در آسمان ها سیر می کردم».

بعد از گذشت مدتی از آشنایی، دختر دانش آموز دیروز با پسر غریبه ازدواج می کند اما بعد از ازدواج، نقاب از چهره اش برداشته می شود و پسر با کلاس، یک قاچاقچی هفت خط از کار در می آید که گنجشک را به جای قناری رنگ می کرد و به مردم می فروخت.

زن رنگ پریده تعریف می کند: «از دوران نامزدی من هنوز یک هفته نگذشته بود که مرد رویاهایم تو زرد از آب درآمد و نه از تحصیل و سواد خبری بود و نه از با کلاس بودنش. او یک خلاقانه به تمام معنا بود که نقش آدم های مثبت را بازی می کرد. من که پشتوانه ای نداشتم چاره ای جز همراهی نداشتم چون وضعیت خانواده ام از حال و روز شوهر بهتر نبود».

دختر تنها، برای تحقق رویاهایش با همسر قاچاقچی اش همراه و وارد کار قاچاق مواد از جنس صنعتی می شود. به اتفاق هم سوار بر اتوبوس راهی یک شهر مرزی می شوند و هر بار با خرید مقدار زیادی مواد از نوع کریستال به زادگاه شان بر می گردند و مواد را روانه شش های جوان ها می کنند تا با به دست آوردن یک شمت اسکناس به قول خودشان حال و روزشان تغییر کند.

دختر در تله افتاده ماه غسل اش را با قاچاق

مواد سبزی می کند و وارد دور ان تاریکی می شود. او می گوید: «هر بار که برای خرید مواد به یک شهر دور افتاده می رفتم جنس قاچاق را دور کمر می بستم و به همراه شوهرم بر می گشتم. سر این ماجرا توانستم کلی پول بیاآورده به جیب بزنم و خانه و جهیزیه برای خودم خریدم. اما از قدیم گفته اند که باد آورده را باد می برد و همه اش بر باد فنا رفت و جز روسیاهی برایم چیزی باقی نماند، شوهرش برای این که نامزدش سونی ندهد هر بار قبل از حمل مواد به او مقداری کریستال می دهد تا با مصرف آن گیج شود و دستگیر نشود.

سر این ماجرا دختر گمراه در تله اعتیاد گرفتار و دردی بر دردهایش اضافه می شود.

در این کش و قوس ها، زن باردار هم می شود و به گفته خودش شتاب زده آن هم بدون برگزاری جشنی به خانه بخت می رود.

زن مائم زده که زندگی اش دود شده است، می گوید: «به خاطر اعتیاد و بارداری ام در دوران نامزدی به اجبار بدون مراسم خاصی زندگی مشترک مان را شروع کردم.

زمانی که بچه به دنیا آمد شوهرم در حین جا به جایی مواد گیر افتاد و راهی زندان شد. دوباره بعد از چند سال که شوهرم از زندان آزاد شد باردار شدم که باز او به خاطر مواد دستگیر شد و روز از نو و روزی از نو.

با وجود دو بچه قد و نیم قد دیگر مثل سابق نمی توانستم شوهرم را همراهی کنم و برای راضی نگه داشتن او تمام دارایی ام را به اسم او کردم تا این گونه وفاداری ام را به او اثبات کنم اما او خودش را با خیانت به من اثبات کرد».

شوهرش دوباره بعد از آزادی از زندان سراغ زنش می رود تا به مهمانی بروند؛ مهمانی که قرار نیست بازگشتی در کار باشد. زمانی که مرد به اتفاق همسرش به بهانه مهمانی پا در خانه مادر همسرش می گذارد بعد از گذشت لحظاتی خانه را به بهانه ای ترک می کند و قول می دهد زود برگردد اما خبری از او نمی شود. زن غم زده هر چقدر منتظر می ماند بی فایده است. روز بعد زمانی که جلوی خانه می رود کسی در را به رویش باز نمی کند و حتی کلید هم قفل در را باز نمی کند چون عوض شده است.

مرد پشت کرده به خانواده به تماس های مکرر زنش هم پاسخ نمی دهد تا این که بعد از مدتی آفتابی می شود و آب پایی را روی دست زن می ریزد که او را فقط برای حمل مواد می خواسته نه چیز دیگری و می گوید «نخود نخود هر که رود خانه خود!» زن با دلی شکسته و چشمانی اشک بار ادامه می دهد: «شوهرم از ترس این که مهریه ام را به اجرا بگذارم خانه را با تمام وسایلیش به نام برادرش کرده بود تا به من رودست بزند غافل از این که دست بالای دست بسیار است و برادرش هم خانه را با امکاناتش بالا می کشد تا مثل بیاآورده را باد می برد محقق شود».

وقتی زن می بیند تمام درها به رویش بسته است با گرفتن حضانت بچه ها از شوهرش که سوداگر مرگ بود جدا می شود و یکی از فرزندان را به یک نهاد حمایتی دولتی و دیگری را به مادرش می سپارد و خودش هم مهمان کمپ می شود تا گذشت زمان گره از کارش باز کند.

صدیقی

«به عنوان یک زن ناشناس برای شوهرم یک پیامک عاشقانه فرستادم.

باورم نمی شد این همسرم است که این گونه عاطفی و پر از احساس پاسخ پیامم را می دهد. مات و میهوت مانده بودم که چرا همسرم مدام ادعا می کرد اصلا بلد نیست حرف های احساسی و عاشقانه بزند اما...» این ها بخشی از صحبت های یک زن ناامید از همسرش است که به گفته خودش طلاق عاطفی در بوفه قطار زندگی مشترک شان موج می زد تا این که این قطار در دادگاه خانواده توقف کرد.

زن متعجب از رفتار همسرش که در سال های زندگی مشترک با همسرش فکر می کرد او اصلا بلد نیست لب به گفتن حرف های عاشقانه باز کند، می گوید: زندگی مشترک ما بر مدار سنت شکل گرفته بود و جملات عاشقانه حتی یک دوست دارم هم در آن جایی نداشت.

سال ها از زندگی مشترک مان زیر یک سقف گذشت و در این مدت دلم لک زده بود برای شنیدن یک جمله عاشقانه از سوی شوهرم. اصلا خجالت می کشیدم به همسرم بگویم که کمی عاطفی وار در زندگی باشد و با محبت با من حرف بزند.

اخلاق شوهرم خشک و ماشینی بود. به این روال

عادت کرده بودم اما هیچ وقت در ذهنم تصور نمی کردم که روی دیگر شوهرم را ببینم.

روزی با یکی از دوستانم در این مورد درد دل کردم تا نظرش را جویا شوم. او به من گفت برخی مردها آن چیزی نیستند که در ظاهر نشان می دهند و روی دیگری هم دارند و باید راه فهمیدن آن را خودم پیدا کنم. او گفت شاید از طریق ارسال پیامک های عاشقانه امتحان کردنش هم بد نباشد. همین کار را کردم و روزی به شکل ناشناس چند پیامک عاشقانه در فضای مجازی برای همسرم ارسال کردم تا عکس العمل او را ببینم. چند دقیقه بعد از ارسال پیامک، شوهرم با جمله خاص و عاطفی جوابم را داد.

با دیدن این جمله میخکوب شدم. دوباره یک پیامک عاشقانه دیگر ارسال کردم. او دوباره با ارسال جمله «دنیا من منتظر دیدار رویت هستم» شوک زده ام کرد که آیا این شوهرم است که چنین جملات روابیی بر زبان می آورد که سال ها در حسرت شنیدنش بودم.

این پیامک بازی عاشقانه بین من و همسرم به صورت ناشناس مدتی ادامه پیدا کرد. با وجود این که زیر یک سقف در کنار هم به فاصله چند متر نشسته بودیم اما در رویای مان لحظه شماری می کردیم یکدیگر را ببینیم.

در واقع همسرم ثانیه شماری می کرد. کنار هم بودیم

زنی که شوهر بی احساسش را با پیامک امتحان کرد

## مچ گیری با پیامک

اما از یکدیگر فرسنگ ها دور بودیم؛ «خیلی دور و خیلی نزدیک». زمانی که همسرم از سر کار به خانه بر می گشت گوشه ای کر می کرد و سرش در گوشی بود و هر بار که من در جواب دادن به پیامک های عاشقانه اش کمی تعلل می کردم می دیدم برای دیدار و حرف زدن با من در فضای مجازی بی قراری می کند و این در حالی بود که در واقعیت برایم وقت نداشت.

بعد از این اتفاقات در تنهایی ام گوشه ای از خانه می نشستم و زار زار به حال خودم گریه می کردم و غصه می خوردم که شوهرم حاضر است برای صحبت با من به صورت ناشناس هر هزینه ای را بپردازد اما در زندگی مشترک مان با من سرد و خشک رفتار می کند. بالاخره یک روز زمانی که هر کدام گوشه ای از خانه نشسته بودیم تا تلویزیون تماشا کنیم در حالی که در حال چک کردن و ارسال پیامک های عاشقانه به هم بودیم ناگهان به هم ریختم و کلی سر شوهرم داد و بیداد کردم.

همسرم بعد از شنیدن حرف هایم از تعجب میخکوب شد و لکنت زبان گرفت و هیچ حرفی نزد اما رنگش مثل گچ سفید شد. چمدانم را برداشتم و با چشمانی اشک بار راهی خانه پدرم شدم و با مشورت با خانواده ام پدر را مشاوره دادگاه خانواده گذاشتم تا با راهنمایی مشاوران آن مرکز تصمیم درستی برای ادامه یا قطع زندگی مشترک یخ زده مان بگیرم.

قاب دوربین



خروج کامیون حامل سیمان از جاده در محور بجنورد- آشنخانه



### ۲۵ تن آرد غیر مجاز به مقصد نرسید

مأموران پلیس راه در حین گشت زنی ۲۵ تن آرد غیر مجاز از یک تریلی کشف کردند. به گفته رئیس پلیس راه استان، اعضای تیم گشت پلیس راه کرمان- جاجرمد در حین گشت زنی با مشکوک شدن به دستگاه تریلی کشنده حامل بار آرد آن را متوقف کردند. سرهنگ «حسین زاده» با بیان این که پس از توقیف این خودرو ۶۲۵ کیسه آرد غیر مجاز از آن کشف و حمل کننده آن بازداشت شد، ارزش این مقدار آرد غیر مجاز را حدود یک میلیارد ریال اعلام کرد و ادامه داد: این خودرو این مقدار آرد غیر مجاز را از استان گلستان بارگیری کرده بود و قصد انتقال آن به شهر زاهدان را داشت.

### گوشت شکار از گلولی شکار چپان پایین نرفت

**صدیقی-** دو شکارچی متخلف که اقدام به شکار دو رأس میش وحشی کرده بودند در دام قانون افتادند. به گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست مانه و سملقان، مأموران یگان حفاظت شهرستان طی بازرسی از منزل دو متخلف موفق به کشف مقادیری گوشت یک رأس بره و میش وحشی شدند. «فرجی، افروز: متخلفان برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند. طبق قانون صید و شکار متخلفانی که به شکار گونه های حمایت شده اقدام کنند برای جبران ضرر و زیان وارد شده به محیط زیست به سه ماه تا سه سال حبس و پرداخت جریمه ۳۰ تا ۵۰ میلیون ریالی محکوم می شوند.

## آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

به مساحت ۱۹۹/۷۵ متر مربع ایشاهی آقای سیزغلی اسماعیلی از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره۹۸-۹۸۷ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۱۱۷ هیات

۱۲- شش دانگ ساختمان از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۲۴۸ متر مربع ایشاهی خاتم زینب عزیزی از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۹۲ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه هیات ۹۷-۱۳۳

۱۳- شش دانگ یکپای خانه از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۱۶۸ متر مربع ایشاهی خاتم کبری رحمتی از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۹۱ مورخه ۹۸/۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۸۶ هیات ۹۷-۸۶

۱۴- شش دانگ یکپای منزل از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۱۷۱/۲۶ متر مربع ایشاهی آنامراد نقمش از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۹۰ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۶۴۵ هیات ۹۶-۶۴۵

۱۵- شش دانگ یک باب منزل از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی فوق به مساحت ۱۳۵/۸۰ متر مربع ایشاهی آقای ولی برادرپور از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۸۶ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۲۱۴ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۴-اصلی اراضی حصار شیرعلی**  
۱۶- شش دانگ یکپای منزل از پلاک ۱۵۱ و ۱۵۲ فرعی از ۱۶۴ اصلی فوق به مساحت ۱۰۰/۱۶ متر مربع ایشاهی خاتم کشور بگم حبیبی از محل مالکیت ثبتی موسی شیعی فرزند عباسعلی برابر رای شماره ۹۸-۶۸۳ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۵-۶۵۱ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۷۳-اصلی اراضی معصوم زاده**  
۱۷- شش دانگ یکپای مغازه از پلاک ۲۹۳۸ فرعی از ۱۷۳ اصلی فوق به مساحت ۴۰ متر مربع ایشاهی آقای حسن یونس از محل مالکیت ثبتی غلامرضا یونس فرزند عباس برابر رای شماره ۹۸-۷۰۱ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۱۲۶ هیات

لذا بدین وسیله به فروشدگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده اطلاع میگردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روزنامه از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند مقررین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبارعت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا مترش گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننمایند اداره ثبت مبارعت به صدور سند خواهد نمود ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

**تاریخ انتشار نوبت اول سه شنبه ۹۸/۰۵/۸**

**تاریخ انتشار نوبت دوم سه شنبه ۹۸/۰۵/۲۳**

**احمد اصغری شیروان رئیس اداره ثبت اسناد و**

**املاک ناحیه ۲ بجنورد**

۱۲۴۸م الف

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ بجنورد مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در نشریه آگهی های ثبتی ( کثیرالانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد:

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۲۵ - اصلی قریه عزیز**

۱- شش دانگ یکپای ساختمان از پلاک ۳۶۴ فرعی از ۱۲۵ اصلی فوق به مساحت ۲۴۰ متر مربع ایشاهی آقای آرز مرادمحمدی از محل مالکیت ثبتی زهرا بیگم حسینی معصوم بزیز رای شماره ۹۸-۶۹۵ مورخ ۹۸/۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۶۹۷ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۵۵- اصلی اراضی کهنه کند**

۲- شش دانگ یکپای خانه از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۷۹ متر مربع ایشاهی آقای رمضان پناهی از محل مالکیت ثبتی سعادتقلی باقچلی بزیز رای شماره ۹۸-۷۰۰ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۷۶۳ هیات

۳- شش دانگ یک باب خانه از پلاک ۴۴۹ فرعی از ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۳۷۴/۱۵ متر مربع ایشاهی آقای سید محمد لنگری از محل مالکیت ثبتی سید عادل و سید علی و سید قاسم شهرت همگی لنگری برابر رای شماره ۹۸-۶۹۸ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۷-۲۹۵ هیات

۴- شش دانگ یکپای ساختمان از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۷۵/۲۵ متر مربع ایشاهی آقای عبدالله یمن از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۹۳ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۷-۲۸۸ هیات

۵- شش دانگ یکپای خانه از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۲۲۹/۶۳ متر مربع ایشاهی خاتم عطیه وحدانی از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۸۹ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۷-۴۱۴ هیات

۶- شش دانگ یکپای ساختمان از پلاک ۱۲۵۱ فرعی از ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۲۳۸/۵۰ متر مربع ایشاهی آقای اصغر پورسعید از محل مالکیت ثبتی محمد پورسعید فرزند آقاخان برابر رای شماره ۹۸-۶۸۲ مورخه ۹۸/۴/۲۹ کلاسه ۹۷-۳۵۸ هیات

۷- شش دانگ یکپای منزل از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۸۶/۰۷ متر مربع ایشاهی عزیزاله یزدانی از محل مالکیت ثبتی غلامحسین علی آبادی فرزند حسین برابر رای شماره ۹۸-۶۸۸ مورخه ۹۸/۰۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۵۵ هیات

۸- شش دانگ یکپای منزل از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۵۰/۵۰ متر مربع ایشاهی آقای ذکریا پرویزی اصل از محل مالکیت ثبتی رستمی فرزند عزیز اله برابر رای شماره ۹۷-۲۲۷۱ مورخه ۹۷/۱۱/۱۷ کلاسه ۹۷-۳۲۷ هیات

۹- شش دانگ یکپای منزل از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۷۴ متر مربع ایشاهی آقای بابکر نوروزی از محل مالکیت ثبتی شهرداری بجنورد برابر رای شماره ۹۸-۶۸۵ مورخه ۹۸/۴/۲۹ کلاسه ۹۷-۳۵۸ هیات

۱۰- شش دانگ یکپای منزل از پلاک ۱۵۵ اصلی فوق به مساحت ۱۰۴ متر مربع ایشاهی آقای قادر پیرمائی از محل مالکیت ثبتی غلامحسین علی آبادی فرزند حسین برابر رای شماره ۹۸-۶۹۶ مورخه ۹۸/۴/۲۹ کلاسه ۹۸-۵۷ هیات

**بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۳- اصلی اراضی پنبه زار**

۱۱- شش دانگ یکپای خانه از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی فوق



**فروش اقساطی**

**تخفیف ویژه کارمندان دولت**

**تعویض فرش کهنه با نو**

**فروش فرش با ضمانت ۶ ماهه**

**ارسال رایگان فرش به درب منزل**

**بجنورد خیابان طالقانی شرقی**

**نبش طالقانی ۲۰ ( جنب دبیرستان سمیه)**

**۰۹۱۵۱۸۷۱۴۶۶ ☎ ۰۵۸-۳۲۲۵۵۸۴۰ 📍**